

معرفی مراسم تکایای شهر کابل

احمد جاوید انوری*

چکیده

هویت تشیع به عنوان یک اقلیت مذهبی در افغانستان با برگزاری مراسم مذهبی شناخته می‌شود، به طوری که شیعه بودن به خصوص در شهر کابل، مساوی با رفتن به تکیه‌خانه و شرکت در مراسم عزاداری و مذهبی می‌باشد. بر آن شدیم تا با اختصار به معرفی مراسم و چگونگی برگزاری مجالس در تکایای شهر کابل بپردازیم، چراکه تکایا (حسینیه‌ها) به عنوان یک نهاد مؤثر در شکل‌دهی و استمرار هویت تشیع در افغانستان مطرح است و می‌توانیم با استفاده صحیح از این پایگاه مقدس برای گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام گام برداریم.

تکیه در لغت معنی «پشت به چیزی گذاشتن» و یا «چیزی را مماس بر چیزی دیگر قرار دادن» است، ولی در اصطلاح به مکان بودن در اویش و صوفیان و فقرا اطلاق می‌شد، اما بر اثر گذشت زمان و استفاده از آن برای مجالس تعزیه و روضه‌خوانی، در این معنی رواج یافت.

اولین تکیه‌ای که رسماً در افغانستان به ثبت رسید «تکیه‌ی عمومی چنداول» است که در سال ۱۳۱۷ ه.ش تأسیس گردید.

به طور کلی برگزاری مراسم در تکایای شهر کابل، به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف: مراسم مخصوص ایام محرم و صفر.

ب: برنامه‌هایی در طول سال.

مراسم عزاداری در ایام محرم و صفر با تلاوت کلام‌الله شروع می‌شود و با منقبت‌خوانی (مداحی) و بعد از آن بچه‌خوانی و روضه‌خوانی و منبر اول و منبر دوم ادامه می‌یابد و با سینه‌زنی به پایان می‌رسد، ولی در غیر ماه محرم و صفر، مراسم به مناسبت آن بستگی دارد؛ مثلاً در اعیاد، مراسم جشن و سرور برپاست، ولی در وفیات بزرگان دین، روضه‌خوانی و عزاداری برگزار می‌شود.

کلیدواژه: تکایا، تکیه، سقاخانه، کابل، روضه‌خوانی، منقبت‌خوانی، عزاداری

* دانش‌پژوه کارشناسی ارشد اهل بیت‌شناسی، جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمية، مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمته‌م‌الله قم.

۱ - تکایا

معنا و مفهوم تکیه در لغت با کاربرد اصطلاحی آن متفاوت است، البته کاربرد اصطلاحی آن نیز از زمان گذشته تا حال تفاوت زیادی کرده است.

تکیه در لغت:

تکیه لفظی عربی به معنی پشت به چیزی گذاشتن است.

مرا تکیه جان پسر بر عصاست
دگر تکیه بر زندگانی خطاست (سعدی)

تکیه، بالش و چیزی که بر آن تکیه زنند و این فارسی است و مأخوذ از تکاه بر وزن کلاه است که در عربی به این معنی آمده ... در هند، تکیه بالش را گویند و در فارسی، بالش و نازبالش و بالین و نازبالین و پشتی ... به مجاز پشت و پناه.^۱

تکیه، مأخوذ از عربی پشت دادن به چیزی، پشت خود را به چیزی نهادن.^۲

تکیه، چیزی را مماس بر چیزی دیگر کردن یا بر آن قرار دادن، پشتی.^۳

تکیه در اصطلاح:

مآخذ فوق، بعد از ذکر معنی لغوی «تکیه» به ذکر معنی اصطلاحی آن می‌پردازند. در لغت‌نامه دهخدا آمده است: مکان بودن فقرا ... خانقاه و منزل دراویش و فقرا، جایی که در آن به دراویش طعام دهند، محل آسایش، حسینیه که در آن روضه خوانند، جای تعزیه‌خوانی، جای روضه‌خوانی.

جای نگهداری مستمندان، محل وسیع برای روضه‌خوانی و عزاداری.^۴

محل برگزاری مراسم روضه‌خوانی و سوگواری، محل زندگی درویشان و زاهدان، خانقاه، جمع آن تکایا.^۵

تکیه، مکان گرد آمدن صوفیان، مزار مشایخ صوفیه، اقامت‌گاه موقت صوفیان در سفر به شهرهای زیارتی و ویژه در ایران، محل بزرگ برای برگزاری مراسم سوگواری پیشوایان دین، به ویژه سوگواری‌های ماه محرم و اجرای تعزیه است.^۶

بستان

سال دوم - شماره ۲ - بهار و تابستان ۱۳۹۰

۱۴۴

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ذیل تکیه، ج ۱۵، ص ۸۸۶.

۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد اول از سه جلدی، ص ۷۱۷.

۳. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، ذیل تکیه.

۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۷۱۷.

۵. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، ذیل تکیه.

۶. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ص ۶۰ ذیل تکیه.

همان‌طور که گذشت، تکیه در گذشته مفهومی غیر از مفهوم فعلی داشته است. نخستین بار در جهان اسلام، تکیه به معنای اقامت‌گاه صوفیان به کار رفته است و با مکان‌های دیگر همچون رباط زاویه، خانقاه، دُیره و لنگر مشابهت داشته است.

تکیه‌های صوفیان از حدود سده هشتم هجری و بیشتر در قلمرو عثمانی رایج شد و همانند نهادهای مشابه، شیوه زندگی در آنها عابدانه همراه با رهبانیت و اعتکاف بود.^۷ تکیه در عثمانی معمولاً شامل این قسمت‌ها بود:

سماع‌خانه یا توحیدخانه (جایگاه ذکر)، تربت / تربۀ (مدفن شیوخ، بقعه)، حرم (محل سکونت خانواده شیوخ)، سلاملیق (اتاق‌های پذیرایی و اسکان دروایش و مهمانان)، آشپزخانه، گاه مسجد و گوشه مختص خلوت.^۸

واعظ کاشفی در کتاب «فتوت‌نامه سلطانی» می‌نویسد:

«تا»ی تکیه دلالت کند بر توکل، یعنی تکیه‌دار باید توکل داشته باشد؛ «کاف» تکیه دلالت بر کرم دارد، یعنی صاحب تکیه باید کریم باشد؛ «یا»ی تکیه دلیل یک‌رنگی و یک‌جهتی است، یعنی تکیه‌دار باید در کار خود یک‌رنگ باشد، نه متقلب مزاج و «ها»ی تکیه دلیل است بر هواداری؛ یعنی تکیه‌دار باید هوادار درویشان و مسافران باشد.^۹

با ظهور صفویه و گرایش آنها به تشیع، کاربرد تکیه به تدریج تغییر کرد.

در اواخر دوره صفوی و با رواج تشیع، اغلب تکیه‌ها با فضای وسیعی که برای اجرای سماع و رقص و چرخش داشته، برای برگزاری مراسم سوگواری در ماه محرم به کار رفته.^{۱۰}

اولین بنای مخصوص تکیه یا حسینیه در سال ۱۲۱۶ هـ.ق به نام «تکیه نوروزخان» در تهران ساخته شد و از این پس، روند ساخت تکایا ادامه و گسترش یافت.^{۱۱}

در دوره قاجار با رونق تعزیه، تکیه در مفهومی که امروز برای ایرانیان آشناست، یعنی محل برگزاری مراسم تعزیه امام حسین علیه السلام چنان فراگیر شد که دیگر اقامت‌گاه‌های صوفیان به ندرت به این نام خوانده می‌شد.^{۱۲}

پرتال جامع علوم انسانی

۷. همو.

۸. همو.

۹. کاشفی، واعظ، فتوت‌نامه سلطانی، ص ۲۳۵.

۱۰. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر ص ۶۰ ذیل تکیه.

۱۱. ادریسی آریمی، مهری، تعزیه و تحول آن در تاریخ ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ص ۱۲۸.

۱۲. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ذیل تکیه.

بزرگ‌ترین و مجلل‌ترین تکیه‌ها در ایران، تکیه دولت (عمارت معروف به شمس العماره تهران) بود که به امر ناصر الدین قاجار بنا شد، ولی متأسفانه در سال ۱۳۲۰ هـ ش برای ساختن بنای جدید خرابش کردند.^{۱۳}

تاریخ تأسیس تکیه در افغانستان مشخص نیست و شیعیان هم برای ضبط و ثبت وقایع آن اقدام نکرده‌اند، و اگر هم کرده باشند به دست ما نرسیده است؛ ولی به احتمال زیاد، تأسیس تکیه و رونق آن در افغانستان، به خصوص در شهر کابل با ورود قزلباش‌ها به این کشور ارتباط زیادی می‌تواند داشته باشد. از سوی دیگر، شیعیان در افغانستان در اقلیت بوده‌اند و قدرت همیشه در دست حاکمان سنی مذهب بود که اجازه برگزاری مراسم مذهبی را به شیعیان نمی‌دادند و شیعیان مراسم خود را در خفا انجام می‌دادند؛ در مقطعی از تاریخ، برخورد شدید و سفاکانه بعضی از حاکمان را علیه شیعیان شاهد هستیم که اوج آن در زمان عبدالرحمان خان است.

امیر عبدالرحمان خان، با حمایت سرّی انگلیس‌ها ظلم و ستم زیادی بر شیعیان نمود ... تکیه‌خانه‌های قزلباش‌ها را به مسجد مبدل ساخت و دستور داد که در مساجد شیعیان، امام جماعت و مؤذن از اهل سنت و جماعت باشد و مردم شیعه موظف‌اند که پنج وقت نماز را به آن‌ها اقتدا کنند.^{۱۴} تکایا نزد شیعیان افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است، تا جایی که هویت شیعه با تکیه‌خانه و برگزاری مراسم و عزاداری ماه محرم گره خورده و دیگران، شیعیان را با این هویت می‌شناسند. تکیه‌ها در آگاهی و تعمیق باورهای سیاسی و فرهنگی مردم نقش اساسی ایفا می‌کنند؛ مانند مبارزه با خرافات و کج‌روی‌ها و انحرافات جامعه و خطرات اجتماعی و سیاسی که در جامعه وجود دارد.

تکیه در دوران جهاد، محلی برای تجمیع مجاهدان و نیروهای رزمنده علیه اشغال‌گران کشور بود. در شرایط کنونی، مذهب جعفری در قانون اساسی رسمی شده و تکایا محل و مکانی مناسب برای مشارکت و فعالیت سیاسی مردم می‌باشد.^{۱۵} در این میان، نقش علما و روحانیون و خطبا را نباید فراموش کرد. اینان با زحمات فراوان در مقابل انحرافات ایستادگی کرده و مردم را نسبت به آن آگاه می‌کردند. منبرهای آتشین و سخنان مستدل و علمی علما باعث گرمی کانون تکیه‌ها بود و شمار کسانی که در تکیه‌ها و مراسم مذهبی شرکت می‌کردند، روز به روز افزوده می‌شد؛ به خصوص شرکت جوانان و دانشجویان چشم‌گیر بود. در این راه، علما و روحانیون زیادی جان خود را از دست دادند و به زندان‌های مخوف افکنده شدند و یا به درجه رفیع شهادت نایل آمدند.

۱۳. دایرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۶۶۱، ذیل تکیه.

۱۴. شیونی، محمد وحید، تشیع در کابل، فصلنامه تخصصی علوم انسانی، سفیر، ص ۱۳۵.

۱۵. صابری، محمد صادق، جایگاه و کارکرد تربیتی حسینیه‌ها در افغانستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ص ۱۲۷.

امروزه ما میراث‌دار خون پاک کسانی هستیم که خالصانه جان خود را فدا کردند و در مقابل ظلم و ستم و انحرافات ایستادگی کردند. پس بر ما است که از آن پاسداری کنیم و جلوی انحرافات فرهنگی و دینی و مذهبی را سد نماییم.

با ورود علمای بزرگواری همچون مرحوم آیت‌الله حجت‌الله به زادگاه خویش، روند ساخت و بازسازی تکایا و اماکن مذهبی شدت یافت.

تکیه‌خانه عمومی چنداول، اولین حسینیه شیعیان است که آشکارا به نام تکیه عمومی چنداول در سال ۱۳۱۷ هـ.ش تأسیس گردید و قباله آن به نام تکیه‌خانه عمومی چنداول نوشته، مهر و موم گردید.^{۱۶}

کابل

موقعیت جغرافیایی و تاریخی

کابل، پایتخت افغانستان کنونی است که در عرض ۳۳ درجه و ۱۰ دقیقه و در طول شرقی ۶۷ درجه و ۱۵ دقیقه قرار دارد و وسعت این بلده مقدار ۳ میل است.^{۱۷} این شهر از شمال با ولایت کاپیسا و پروان، از جنوب با ولایت لوگر و از غرب با ولایت میدان در ارتباط است.^{۱۸} کابل در سمت شرقی ایران و در ساحل نهری که به همین نام می‌خوانند، (به ارتفاع ۱۹۱۷ گز در ۸۰۰ هزار گزی مشرق هرات و ۵۱۵ هزار گزی جنوب شرقی بلخ) واقع شده است.^{۱۹} مساحت کابل ۴۵۰۰ کیلومتر مربع است.

کابل از بلاد بسیار قدیمی دنیاست و در زمان اسکندر وجود داشته است. در آثار مورخان عهد اسکندر و در جغرافیای بطلمیوس از آن به نام «قاپوره» و «اورتوسپانه» یاد شده.^{۲۰} قبل از ظهور اسلام، کابلشاهان بر این شهر حکومت می‌کردند که مذهب برهمنی داشتند. فتح کابل در سال ۳۶ هـ.ق به دست عبدالرحمان بن سمره صورت گرفت. عبدالرحمان بعد از فتح کابل، مهلب را به جای خود گذاشت و به ولایات شرقی پرداخت.^{۲۱}

در شاهنامه فردوسی از کابل فراوان یاد شده است:

نشستم به کابل به فرمان تو نگه داشتم رأی و پیمان تو

۱۶. حجت، سید خلیل، *احیاگر تشیع در افغانستان*، ص ۱۲۸.

۱۷. کاتب هزاره، ملا فیض محمد، *سراج التواریخ*، ج ۱، ص ۴.

۱۸. شیونی، محمد وحید، *تشیع در کابل*، ص ۱۲۲.

۱۹. دهخدا، *لغت‌نامه*، ج ۱۲، ذیل کابل.

۲۰. حبیبی، عبدالحی، *تاریخ افغانستان بعد از اسلام*، ص ۲.

۲۱. همو، ص ۱۵۹.

به اژه میانم به دو نیمه کن
 به کابل باش و به شادی بمان
 ز کابل میماید با من سخن
 از این پس مترس از بد بدگمان.^{۲۲}

کابل در زمان غزنویان نسبت به غزنه عقب افتاد، ولی بابر شاه گورکانی، این شهر را مجدداً پایتخت خود قرار داد که آرامگاه او در همین شهر است.

هرچند در زمان احمد شاه ابدالی، قندهار مرکز حکومت شد، اما بعد از او کابل دوباره مرکزیت یافت که تا کنون ادامه دارد.

سیمای شهر کابل

شهر قدیمی کابل بین دامنه کوه شیر دروازه و بستر رودخانه کابل واقع شده و از طرف دیگر در دامنه کوه‌های شیر دروازه و آسمایی قرار گرفته است و تقریباً شکل یک مثلث را به خود می‌گیرد. بین دو کوه شیر دروازه و آسمایی، گذرگاهی وجود دارد که رودخانه کابل از آن عبور می‌کند. در گذشته دور، شهر را حصارهای مستحکمی احاطه می‌کرد که هفت دروازه به اطراف آن داشت.^{۲۳}

مورخ افغانی «عبدالحی حبیبی» در کتاب تاریخ افغانستان بعد از اسلام، به نقل از شریف ادیسی در سال ۵۴۹ هـ - ۱۱۵۴ م آورده است: «کابل شهر بزرگ و دارای ابنیه نیکوست و در کوه‌های آن، عود خوب و نارگیل و هلیله کابلی و زعفران پیدا می‌شود که آن را به بلاد دیگر برند. حصار کابل به حصانت و استواری مشهور است و یک راه صعود دارد. در کابل نیل فراوان و بی‌نظیر زرع می‌شود که به آفاق زمین برده می‌شود و شهرت تام دارد، جامه‌های نخی نیکو از آن به چین و خراسان و سند برده می‌شود و در جبال آن، معادن آهن است که شهرت دارد و در اطراف آن، قلاع و عمارات پیوسته به هم موجود است.»^{۲۴}

وضعیت شیعیان در کابل

در مورد تاریخ ورود تشیع به این سرزمین، اسناد و مدارک قابل توجهی در دست نیست، اما از آن جایی که ظهور اسلام و تشیع هم‌زمان بوده است، محققین معاصر، قرائن و شواهدی به دست می‌دهند که موجودیت تشیع در کابل را در نخستین قرن ظهور اسلام ثابت می‌کند.

لباس

سال دوم - شماره ۲ - بهار و تابستان ۱۳۹۰

۱۴۸

۲۲. شاهنامه فردوسی، چاپ بروخیر.

۲۳. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ذیل کابل.

۲۴. حبیبی، عبدالحی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، ص ۶۸۵

۲۵. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، ص ۱۲۰.

ذکر لقب کابلی برای برخی از اصحاب ائمه (نظیر هارون بن ابی خالد کابلی و وردان ابو خالد کابلی الاصغر و مشهورتر از همه وردان ابو خالد که اسم اصلی و کابلی آن کنگر بوده است) نشان می‌دهد که تشیع در قرن نخست اسلامی و در عصر ائمه علیهم‌السلام به آن سرزمین وارد شده است.^{۲۵}

ابو خالد کابلی دارای مقام بلند و از اصحاب خاص امام سجاد علیه‌السلام می‌باشد و برخی از منابع حاکی از آن است که ایشان با خانواده خودش در ارتباط بود و گاهی به دیدن والدین خود می‌رفت.

در این شهر تداوم ریشه‌های تشیع را در وجود و کلایی که از طرف ائمه علیهم‌السلام انتخاب می‌شدند، شاهد هستیم. در زمان غیبت صغری ارتباط این منطقه دور افتاده با سازمان و کالت قطع نشده بود و گزارش‌هایی بر این مبنی وجود دارد که اوامر و نواهی حضرت حجت (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) از طریق شبکه و کالت به این منطقه می‌رسیده است.^{۲۶}

می‌توان از عالمان بزرگ شیعه امامیه در قرن سوم در کابل، حضرت بن عیسی کابلی جبلی را نام برد. او از روایان امامیه شمرده می‌شود و در منابع رجال از او به نیکی یاد شده است.^{۲۷}

در واقع بازمندگان، شاگردان و هواداران او در قرن سوم و چهارم، نشانه دیگری از تداوم شیعی و وجود شیعیان دوازده امامی در شهر کابل و اطراف آن است. البته این امر به مفهوم آن نیست که همه یا اکثریت اهالی کابل در این عصر شیعه بوده‌اند.^{۲۸}

با به قدرت رسیدن حکومت‌های متعصبی چون غزنویان، شیعیان بیشتر تحت فشار قرار گرفتند و کم‌تر از آن‌ها اثری به جای مانده است، سلطان محمود غزنوی به بهانه‌های مختلف شیعیان را مجازات می‌کرد و ظلم و ستم زیادی بر آنان روا می‌داشت و آن‌ها را بددین می‌خواند.

مهاجرت شیعیان و سادات به دلیل امن بودن مناطقی چون کابل، باعث رونق تشیع در این منطقه شده است. علاوه بر آن، نفوذ شعرا و علمای شیعه در دربار حاکمان سنی مذهب در ادوار گوناگون در این شهر و اطراف آن و دیگر مناطق خراسان، به نحوی حضور شیعیان را ثابت می‌کند.

بعد از ظهور صفویه در ایران، مناطقی که خراسان نامیده می‌شد بین صفویه و مغولان (بابری‌ها) تقسیم شد و کابل جزو قلمرو بابری قرار گرفت.^{۲۹}

در اثر اسکان قزلباش‌ها در کابل توسط نادر افشار، شیعیان کابل را سادات، هزاره و قزلباش‌ها تشکیل می‌داد که این روند تا انقلاب کمونیستی ۱۳۵۷ هـ.ش ادامه یافت.^{۳۰}

۲۶. ناصری داودی، عبدالمجید، تاریخ تشیع در افغانستان، صص ۱۲۷، ۱۲۸.

۲۶. ر.ک: جباری، محمد رضا، سازمان و کالت و نقش آن در زمان ائمه علیهم‌السلام، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲۷. ناصری داودی، عبدالمجید، تاریخ تشیع در افغانستان، ص ۱۳۰.

۲۸. همو.

۲۹. فرهنگ، میر محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، ص ۶۱.

۳۰. شیونی، محمد وحید، تشیع در کابل، ص ۱۳۳.

در این مدت، تشیع فراز و نشیب‌های زیادی را طی نمودند؛ زمانی در اوج قدرت بودند، گاهی در فشار و سختی مانند: زمان عبدالرحمان خان و حبیب‌الله؛ ولی در زمان پسر وی، امان‌الله (۱۹۱۱ میلادی) همراه اعلان استقلال افغانستان از انگلیس، او به یک سری اصلاحات دست زد و آزادی‌هایی برای مردم قائل شد که مردم شیعه نیز از این آزادی به خوبی استفاده نمودند و در جهت بسط و گسترش شعائر و فرهنگ تشیع کوشیدند.

هم‌چنین ورود روحانیون و عالمان بزرگوار به موطن خود و تأسیس تکیه‌ها و مساجد شیعی و بازسازی اماکن مذهبی توسط مردم و علمای طراز اول و آزادی برگزاری مراسم و تعزیه‌خوانی حضرت سید الشهداء علیه السلام در ماه محرم و ابراز آن در ملأ عام و بلند شدن اذان شیعی از مأذنه‌های مساجد شیعی و به طور کلی احیای تشیع و بیداری و پیشرفت علم و فرهنگ و ظهور روشنفکران و صاحب‌نظران شیعی و اثرگذار را می‌توان از مشخصه‌های دیگر این دوران خواند.

محله چنداول کابل به یکی از فعال‌ترین کانون‌های شیعی افغانستان تبدیل شد و علما و خطبا و روشن‌فکران و مجاهدان زیادی از این محله شیعه‌نشین پا به عرصه گذاشتند که نه تنها در چنداول، بلکه در سراسر کابل و به تبع آن در همه شهرهای افغانستان، تحولات عظیم فرهنگی و سیاسی را به بار آوردند.^{۳۱} برای همین بود که آیت الله حجت علیه السلام و سید اسماعیل بلخی علیه السلام و دیگر مبارزان، چنداول را به عنوان مرکز فرهنگی خود انتخاب کردند و اولین قیام مردمی علیه کمونیست‌ها در سال ۱۹۷۱ م برابر با ۱۳۵۸ در چنداول اتفاق افتاد.^{۳۲}

مورخ معروف، میر محمد صدیق فرهنگ، این واقعه را به تفصیل آورده است. وی تصریح می‌کند که تکیه‌ها در این قیام و نهضت، نقش ارزنده داشته است، ولی متأسفانه این قیام شیعه به دلیل همراهی نکردن دیگر مردم، به خصوص اهل سنت منجر به شکست شد و تعداد زیادی از شیعیان به خاک و خون کشیده شدند و رژیم سفاک کمونیستی، وحشیانه به محله چنداول حمله‌ور شد و ضمن کشتار بی‌رحمانه مردم، تعداد زیادی از آنان را راهی زندان‌های مخوف کرد.^{۳۳}

اسامی برخی از محله‌های شیعه‌نشین کابل:

- ۱- چنداول که در مرکز شهر واقع شده است
- ۲- مرادخانی، مرکز شهر (زیارت‌گاه منسوب به حضرت ابوالفضل علیه السلام در آن واقع شده است)
- ۳- کارته سخی در دامنه کوه آسمایی واقع شده و زیارت‌گاه معروف «سخی» را دربرمی‌گیرد
- ۴- افشار نانکچی (افشار سیلو) در غرب کابل واقع شده است
- ۵- افشار دار الامان

۳۱. صابری، محمد صادق، جایگاه و کارکرد تربیتی حسینیه‌ها در افغانستان، ص ۱۱۸.

۳۲. فرهنگ، میر محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۲، ص ۹۸۹.

۳۳. شریعت، سید جواد، سیمای فرزندانگان، ص ۱۱۳.

۶- دشت آزادگان (دشت برچی)

۷- وزیرآباد

معرفی مراسم تکایا

به طور کلی مراسم و برنامه‌ها در تکایای کابل شباهت زیادی دارد و از نظر زمانی به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف: برنامه‌های مخصوص ایام محرم و صفر

ب: برنامه‌ها و مراسم در طول سال (غیر از محرم و صفر)

مراسم عزاداری در تکایای شهر کابل از روز اول محرم شروع می‌شود و گاهی سیاه‌پوش نمودن تکایا را قبل از محرم انجام می‌دهند، اما بعضی از تکایا از شب پنجم یا ششم مراسم‌شان را شروع می‌کردند، اوج مراسم تکایای کابل از روز هفتم آغاز می‌گردد که مراسم «عَلَم‌کشی» شب هفتم یا روز هفتم مشهور است.

همان‌طور که در دیگر شهرهای افغانستان و یا در کشورهای دیگر، هر یک از روزهای دهه‌ی محرم را به یکی از یاران و اصحاب امام حسین علیه السلام اختصاص می‌دهند، در شهر کابل نیز به همین روش، ایام دهه‌ی محرم را با نام یکی از شهدای کربلا عزاداری می‌کنند؛ به طور مثال، روز ششم در اکثر تکایای شهر کابل اختصاص به حضرت علی اکبر علیه السلام و روز هفتم نیز برای حضرت ابوالفضل علیه السلام علمدار کربلا با شکوه خاصی عزاداری می‌کنند.

مراسم روز هفتم این‌طور آغاز می‌گردد که علمی به یادبود علم حضرت ابوالفضل علیه السلام تهیه می‌کنند. علم از چوب به شکل عمود بوده و پارچه‌های زیبا به دور آن می‌پیچند و به یادبود دستان قطع شده علمدار کربلا، بر سر آن قبه و پنجه می‌گذارند و وقتی روضه‌خوان یا منبری به جملاتی نظیر «حضرت ابا عبدالله علم بی‌صاحب ابوالفضل را به طرف خیام آورد» می‌رسد، تعدادی که قبلاً آماده‌اند، علم را حرکت داده و این اشعار را سر می‌دهند:

این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم

است

با همین حال آن را در میان مردم آورده و در جایگاه مخصوص آن نصب می‌کنند. در این موقع، شور و هیجان به اوج خود رسیده و مردم و عزاداران به سر و سینه می‌زنند و عده‌ای که نذر و نیازی دارند و یا حاجتی دارند، دستمال‌هایی را به دور علم می‌بندند که معمولاً در لای دستمال‌ها پول هم می‌پیچند که آن پول‌ها بعداً خرج نذورات و مخارج خود علم می‌شود. در آخر مجلس دوباره با مراسمی که همانند مراسم «علم‌کشی» است، علم را برداشته و در محل خاصی که معمولاً در تکایا وجود دارد و به نام «علم‌خانه» است، می‌گذارند.

روز هشتم محرم به قاسم بن الحسن علیه السلام اختصاص دارد.

روز نهم مخصوص حضرت علی اصغر علیه السلام است و مراسم گهواره‌کشی به یادبود شش ماهه حضرت اباعبدالله علیه السلام برگزار می‌شود. و روز عاشورا اختصاص به خود حضرت سید الشهداء علیه السلام داشته که مراسم باشکوهی در تمامی تکایا برگزار می‌شود؛ حتی در بعضی از تکایا مثل تکیه عمومی چنداول، سران مملکتی و رجال سیاسی و نظامی با تدابیر امنیتی شرکت می‌کنند.

کیفیت مراسم در تکایا

تعدادی از تکایا برنامه‌های‌شان را صبح تا ظهر برگزار می‌کنند و عده‌ای بعد از ظهر مراسم دارند: مراسم در تکایا با تلاوت کلام الله مجید آغاز می‌شود و بعد از آن منقبت خوانی (ذکر مناقب اهل بیت) شروع می‌شود. بعد چند تن از نوجوانان و جوانان اشعاری در مدح ائمه علیهم السلام می‌خوانند که به «بچه‌خوانی» مشهور است. سپس تعدادی از ذاکرین روضه می‌خوانند و در ادامه سخنران اول که به آن پیشاهنگ می‌گویند بر منبر رفته، سخنرانی می‌کند و بعد از آن خطیب دیگر که به آن «خاتم» می‌گویند بر منبر رفته و مجلس را ختم می‌کند. (خاتم معمولاً از علمای طراز اول و خطبای زبردست انتخاب می‌شود).

در اکثر تکایا بعد از سخنرانی دوم، مراسم سینه‌زنی و زنجیرزنی شروع می‌گردد و حتی در مواقع خاص مثل شب هفتم (علم‌کشی) و شب عاشورا زنجیر تیغ‌دار نیز رواج دارد.^{۳۴} بعد از ماه محرم و صفر، جلسات به صورت هفتگی دایر می‌گردد. بعضی از تکایا روز پنج‌شنبه (شب جمعه) و تعدادی هم روز جمعه صبح یا عصر برنامه دارند. شکل برگزاری جلسات با دهه اول ماه محرم فرقی ندارد و فقط در اعیاد مثل عید غدیر یا میلاد ائمه علیهم السلام و بزرگان مذهبی تکایا و مساجد را چراغانی نموده و با شربت و شیرینی (کُلچه) از مردم پذیرایی می‌کنند.

تکایای زنانه در کابل

در شهر کابل و به خصوص در چنداول، علاوه بر تکایایی که مشترک بین مردان و زنان بود، تکایایی وجود داشت که اختصاص به زن‌ها داشت و مردان حق ورود به آن‌جا را نداشتند و همه کارهای آن را خود زن‌ها انجام می‌دادند، مثلاً روضه‌خوان زن بود و منبری زن داشتند و نوحه خوانی و سینه‌زنی برگزار می‌کردند و نذورات زیادی تهیه و از شرکت‌کنندگان پذیرایی می‌کردند. برنامه‌های این تکایا معمولاً بعد از دهه اول شروع می‌شد؛ یعنی بعد از شهادت حضرت سید الشهداء علیه السلام و برای همدردی با خواهر گرامی‌اش حضرت زینب علیه السلام مراسم عزاداری برپا می‌شد. اوج

^{۳۴}. زنجیرهای که بر سر آن تیغ‌هایی را می‌بندند و بر پشت خود می‌زنند.

این مراسم، روز هفدهم محرم که به روز هفتم آقا سیدالشهداء معروف است، می‌باشد. در این روز زن‌ها با شرکت در تکایای زنانه به روضه‌خوانی و نوحه‌خوانی می‌پردازند و برای برآورده شدن حاجات‌شان شمع روشن می‌کنند.

یکی از نذوراتی که در این ایام بسیار رواج دارد، نذر «چنگالی» یا «مالیده»^{۳۵} است. این گونه نذرها با نیت متفاوت تهیه می‌گردد؛ یکی با نیت مردانه که خود زن‌ها نیز می‌توانند از آن بخورند و یکی به نیت زنانه که مردان به هیچ وجه نمی‌توانند از آن استفاده کنند و پسران نابالغ نیز از آن منع می‌گردند، حتی مردان اجازه دیدن آن را هم ندارند و اعتقادات عجیبی نسبت به آن دارند که تا به امروز نسل به نسل حفظ شده است.

مراسم به این صورت است که هر کدام از شرکت‌کنندگان نذری تهیه می‌کنند یا وجه نقد آن را برای صاحب مجلس هدیه می‌کنند و در عوض، مقداری از نذر صاحب مجلس را برای برآورده شدن حاجات‌شان می‌گیرند.

سقاخانه‌ها

یکی از محل‌هایی که برای عزاداری در ماه محرم در کابل رواج داشت، ساختن سقاخانه بود. شیعیان افغانستان در کابل و دیگر مناطق هم از مرد و زن، پیر و جوان در ایام عزاداری امام حسین علیه السلام به شکل‌های مختلف به ابراز احساسات می‌پرداختند؛ آن‌هایی که بانی مجلس عزاداری بودند یا کسانی که قدرت تشکیل مجلس را نداشتند حتماً جزء شرکت‌کنندگان بودند.

سقاخانه‌ها معمولاً سر چهارراه یا وسط کوچه‌ها ساخته می‌شد و مراسم مخصوص خود را داشت؛ از روز اول محرم دو طرف کوچه را تخت می‌زدند و سیاه‌پوش می‌کردند و مراسم معمولاً از پنجم یا ششم شروع می‌شد. روزها با شربت از مردم پذیرایی می‌شد و شب‌ها با قیماق چای مجلس ختم می‌گردید. درسقاخانه‌ها بیشتر منقبت‌خوانی برگزار می‌شود و به ندرت سخنرانی و منبر دارند، ولی در این اواخر بعضی از سقاخانه‌ها علم‌کشی نیز دارند.

تکایا محل دروس حوزوی

در اکثر تکایای معروف شهر کابل، محل جداگانه برای تدریس علوم دینی در نظر گرفته شده است و طلاب برای کسب علوم دینی جمع می‌شوند؛ حتی در بعضی از تکایا محلی برای اسکان

^{۳۵} نوعی شیرینی است که از نان فطیر تهیه می‌گردد، به این صورت که وقتی نان فطیر آماده شده، آن را ریز ریز می‌کنند و به آن روغن و شکر اضافه نموده با هل و گلاب معطر می‌کنند. به خاطر این که آن را با دست ریز ریز می‌کنند چنگالی یا مالیده گفته می‌شود.

طلاب وجود دارد و طلابی که از سایر شهرها به کابل می‌آمدند یا طلابی که جایی برای اسکان نداشتند، در تکایا زندگی می‌کردند.

در گذشته، علمای بزرگواری هم‌چون مرحوم آیت‌الله حجت و مرحوم آیت‌الله واعظ (مؤلف مصباح الاصول) و آیت‌الله محمد امین افشار و ... در تکایا تدریس می‌کردند و حلقه‌های درس علوم دینی از رونق زیادی برخوردار بود، اما بعد از کودتای کمونیستی سال ۱۳۵۷ ه.ش اکثر علما دستگیر شده و راهی زندان‌های مخوف گردیدند و یا به حوزه‌های قم و نجف مهاجرت نمودند.

خاتمه

در خاتمه باید یادآوری کرد که بررسی روند کارکرد تکیه‌ها در افغانستان و در شهر کابل و پژوهش در عملکرد علما و روحانیون در این رابطه کار ضروری و البته سخت و دشوار به نظر می‌رسد، اما آنچه واضح است، نقش مؤثر و عمیق تکیه‌ها و علمای متعهد در روح و جان و در بیداری و آگاهی بخشیدن مردم مسلمان افغانستان را نمی‌توان نادیده گرفت و از کنار آن نمی‌توان به آسانی گذشت، ولی باید برای مؤثرتر شدن فعالیت‌های تکایا نگاهی به گذشته داشته باشیم و تاریخ آن را خوب بررسی کنیم و نکات مثبت و منفی آن را تجزیه و تحلیل نماییم. این مسؤولیت به عهده طلاب و فضایی است که در حوزه‌ها مشغول تحصیل و تحقیق هستند که باید از آن غفلت نورزند چرا که آینده شیعه در افغانستان تا حد زیادی به آن بستگی دارد.

لذا برای اصلاح ضعف‌ها و برطرف شدن مشکلات و بهره‌مندی بیشتر از این پایگاه مقدس، توجه به نکات ذیل لازم و ضروری به نظر می‌رسد:

۱- تشکیل و تأسیس یک مجمع و یا یک شورا و یا نهاد و سازمان برای رهبری فعالیت‌های تکایا و جهت دادن به آن و همسو کردن فعالیت‌های آن، که متأسفانه در گذشته نبود چنین مرکزی باعث زیان‌های جبران‌ناپذیر گردید و آثار سوء تفرقه و جدایی در زمان جهاد ملت افغانستان، خود را نشان داد که تا به امروز، مردم افغانستان، به خصوص شیعیان از آن رنج می‌برند و حتی دامن‌گیر طلاب نیز شده است و باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

۲- پرهیز از مرید بازی و دوری از رقابت‌های نا به جا و رفتارهای خودخواهانه از سوی گردانندگان تکایا؛ در مقابل، روی آوردن به همکاری و نزدیک کردن افکار؛ به گونه‌ای که گردانندگان تکایا و هیئت‌های مذهبی باید حمایت از یکدیگر را سرلوحه کار خویش قرار دهند.

۳- استفاده از ظرفیت‌های موجود و بهره‌گیری از وسایل جدید در امر تبلیغ و روش‌های جدید تبلیغ و تربیت نیروهای متخصص و فراگیری شیوه‌های جدید و پیشرفته مدیریت و ارتباطات با توجه به ظرفیت‌ها و مشکلات و نیاز مردم مناطق مختلف افغانستان و اعزام مبلغان شایسته به مناطق مختلف.